

<p>روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماى جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدى عرفاتى</p>		<p>حديث روز: پيامبر اسلام (ص) داناترين مردم كسى است كه دانش ديگران را به دانش خود پيافزايد.</p>
<p>واحه: اى دل اگر عاشقى در پى دلدار باش بر در دل روز و شب منتظر يار باش</p>		<p>عطار</p>
<p>اوقات شرعى: اذان ظهر: ۱۲/۸۰ اذان مغرب: ۱۷/۲۴ اذان صبح (فردا): ۵/۴۵ طلوع خورشيد (فردا): ۷/۱۵</p>		<p>وضعيت آب و هـمـواى امروز</p>
<p>نـهـج الفـلـه حـكـمـت ۹۷: خوابى كه با يقين همـراه باشـد، بـهـتر اسـت از نماز گزاردن با شك.</p>		<p>تـهـران ۱۲ / ۱ ايلام ۱۵ / ۲ ارديـل ۳ / ۱۰ بجنورد ۵ / ۷ سارى ۱۲ / ۶ زنجان ۵ / ۷ كرمانشاه ۸ / ۵ كرمان ۸ / ۸</p>

مقطع حساس کنونی علت خاموشی مرد ودوستش چه بود؟

❗چهل وهفت سال پیش در یکی از مراکز استان، مردی که حوصله‌اش سر رفته بود و احساس بطلانی می‌کرد؛ سراغ یکی از دوستانش رفت تا با وی اختلاط کند. مرد پس از آن‌که با دوستش اختلاط کرد، احساس کرد هنوز حوصله‌اش درست و حسابی جا نیامده است و گامکان احساس بطلات می‌کند و تصمیم گرفت با همکاری دوستش یک کار بامزه انجام دهد. پس به دوستش می‌کرد؛ لاید می‌دانی که دخترا بسیار بدخطند و یک‌جوری می‌نویسند که فقط داروخانه‌چی‌ها می‌توانند نوشته‌شان را بخوانند و حتی گاهی وقت‌ها آنها نیز نمی‌توانند.

دوستش گفت: بلی، مرد گفت: بیا امتحان کنیم. دوستش گفت: قطوری؟ مرد گفت: من دوستی دارم که کتر است. دوستش گفت: کارتخوان هم دارد؟ مرد گفت: بلی. وی افزود: من برای او نامه‌ای می‌نویسم و او را برای شام به منزل خودمان دعوت می‌کنم و نامه دست پیک می‌دهم تا برای او برسد و جوابش را بیاورد، آن‌وقت ببینیم می‌توانیم خضش را بخوانیم یا نه. دوستش از این طرح استقبال کرد. مرد نامه دعوت را نوشت و به دست پیک داد و پیک آن را نزد دکتر برد و پاسخ دعوت را از دکتر گرفت و نزد مرد و دوستش بازگشت. مرد کاغذ پاسخ دکتر را گرفت اما هرچه این‌ور و آن‌ور کرد نتوانست آن را بخواند. در این لحظه دوستش گفت: من دوستی دارم که داروخانه‌چی است.

مرد گفت: بدون نسخه هم دارو می‌دهد؟ دوستش گفت: بعید می‌دانم. وی افزود: بیا کاغذ را نزد او ببریم تا برایمان بخواند. مرد از این طرح استقبال کرد و به همراه دوستش به داروخانه دوست وی رفت و کاغذ حاوی پیام دکتر را به وی داد. دوست داروخانه‌چی هرچه تلاش کرد نوشته روی کاغذ را بخواند نتوانست، اما از آنجا که نمی‌خواست دوستش را دست خالی برگرداند، گفت: دکتر برای شما یک بسته استامینوفن و یک بسته قرص سرماخوردگی نوشته‌است.

مرد و دوستش از دوست داروخانه‌چی تشکر کردند و برای آن‌که در برهه حساس کنونی موجب تضعیف روحیه کادر درمان، حتی پزشکان بدخط و داروخانه‌چیان الکی‌داروبده نشده‌باشند، این ماجرا را برای هیچ‌کس تعریف نکردند و در این مورد به خصوص خاموش شدند. ❗



هستی و پرواز می‌کنی همه چیز را از بالا می‌بینی. دیگر قابی دور اجسام را نگرفته. تو از همه قاب‌ها بیرون می‌آیی. انگار ماهیت همه هستی را بدون آنچه آنها را احاطه کرده می‌بینی. برای همین است که دیگر روی زمین آرام و قرار نداری و اشیا برایت مفهوم کوچکی دارند، چون تو آنها را از بالا دیده‌ای. وقتی پرواز را تجربه می‌کنی دیگر نمی‌توانی آدم سابق باشی، احساس می‌کنی باید همه چیز را از آن بالا تجربه کنی. وقتی با پاراگلایدر پرواز می‌کنی، گاهی ساعت‌ها کنار عقاب‌ها هستی. گاهی پهلویشان و گاهی چشم در چشم. این تجربه بی‌نظیر است.

❗**وقتی قاطی طبیعت می‌شوی**
افتخاری روز جمعه پرواز کرده، قاطی جریان هوای گرم آسمان شده و از آن بالا کوه‌های پر برف را دیده و زمین یخ‌زده را اما وقتی آن بالاست با زمین مرادوه چندانی ندارد و یخ‌زدگی زمین اذیتش نمی‌کند. از او می‌پرسم جرات زیادی دارید. می‌خندد و می‌گوید: ربط زیادی به جرات ندارد. بیشتر باید اعتماد به نفس داشته باشی. پرواز یکی از خواسته‌های همه انسان‌هاست. انگار در ضمیر همه آدم‌ها پرواز نهاده‌ینه شده. پرواز با ایستادن در ارتفاع فرق می‌کند. من ایستادن بر لبه یک کوه یا پل مرتفع را دوست ندارم. شاید مضطربم کند اما پرواز سرتاسر آرامش است. آن بالایی و رها از هر چه قید و بند است. طبیعت پیرامونت را گرفته و ذهنت را پر کرده. از فراز دریا، کوه، جنگل، دشت و... عبور می‌کنی. انگار به بخشی از آسمان تبدیل شده‌ای و این درهم‌آمیختگی آتقدر شگرف و زیباست که دیگر به هیچ چیز فکر نمی‌کنی. من وقتی آن بالا هستم یا به تنظیم پاراگلایدرم مشغول‌م که در مسیر درست حرکت کند یا مشغول تماشای طبیعتم و این یعنی فارغ شدن از همه قید و بندها. پرواز را نباید با هیجان و بالا رفتن آدرنالین اشتباه گرفت. کسانی که دنبال آدرنالین هستند باید ورزش‌های هیجانی دیگری را تجربه کنند. پرواز اوج آرامش است؛ جایی که دیگر از هورمون‌های استرس که باعث هیجان می‌شوند خبری نیست. ❗



بدهد که از او محافظت می‌شود. پرواز با پاراگلایدر شباهت زیادی به پرواز پرندگان دارد. در فارسی این وسیله را چتربال ترجمه کرده‌اند.

❗**درست‌مثل پرنده‌ها**
فاطمه افتخاری که از ۱۸ سالگی پرواز با پاراگلایدر را تجربه کرده و در این رشته چند مدل گرفته و در مسابقات بین‌المللی هم حضور داشته درباره حس پرواز می‌گوید: وقتی در آسمان پرواز می‌کنی هیچ مانعی تو را محدود نمی‌کند. تو می‌مانی و بیکرانگی آسمان. پاراگلایدر موتور ندارد و تو باید مانند پرنده‌ها با منطق شدن بر جریانات طبیعی پرواز کنی. باید وارد جریان هوای گرم شوی تا بتوانی در آسمان بمانی. باید باد را بشناسی همچنان‌که باید خورشید زاویه تابش و گرمایش را بلد باشی تا بتوانی از آن برای پروازت استفاده کنی. وقتی آن بالا



زنان همان قدر می‌توانند در این رشته موفق شوند که مردان. زنان به دلیل دقت و نظمی که دارند حتی موفق‌تر هم هستند. استقبال هم خوب است. ما در اصفهان یک گروه آقایان پاراگلایدر داریم که شش نفرند و یک گروه خانم‌ها که پنج نفرند. یعنی تقریباً برابر. اما راستش را بخواید بیشتر زنان ما اعتماد به نفس زیادی ندارند شاید به این دلیل که بیشترشان وابسته به مردان هستند؛ هم از نظر روانی هم مالی. زنان زیادی را دیده‌ام که برای پرواز می‌آیند و موفق هم می‌شوند اما ازدواج که می‌کنند، پرواز را رها می‌کنند چون همسرشان اجازه نمی‌دهد. به نظر خانواده‌های ما باید بیشتر روی اعتماد به نفس دختران کار کنند. این که دختری فکر کند اوج توانایی و درخشش این است که زیبا باشد یا شیک پوش یا با مردی ازدواج کند که همه نیازهای او را برطرف کند و ثروتمند باشد یعنی یاد گرفته که برای زندگی به دیگری وابسته باشد و خودش کار چندانی برای زندگی‌اش انجام ندهد. به نظر برای پرواز باید خودت را بشناسی؛ باشق طبیعت باشی و او همه مهم‌تر اعتماد به نفس و عزت نفس بالایی داشته باشی.

خبری نیست. ❗

گفت‌وگو با فاطمه افتخاری؛ دارنده مدال طلای پاراگلایدر چشم در چشم عقاب‌ها

پرواز کند یا بعدتر انسان‌ها بالن را ساختند که پرواز را با آن تجربه کنند. حالا دیگر انسان اوج پرواز را با ماشین‌ها و ابزارهای دقیقی که ساخته تجربه می‌کند؛ از پرواز بین دو قاره بگیر تا پروازهای فضایی. با همه اینها هنوز هم حس و ماهیت پرواز برای انسان مقدس و دست‌نیافتنی است و متفکران، عرفا و شاعران زمانی که می‌خواهند اوج بهایی انسان از هر قید و بندی را نشان دهند از پرواز و ماهیت آن می‌گویند. مثلاً فروغ فرخزاد نوشته؛ پرواز را به خاطر بسیار؛ پرنده مردنی است. یا احمد شاملو گفته؛ پر پرواز ندارم، اما دلی دارم و حسرت درناها. آنتوان آگروپری خالق شازده کوچولو خلیان بوده و آسمان و پرواز را تجربه کرده. انسان امروزی علم و صنعت را در اختیار دارد و پرواز برایش کاری عادی است، اما هرچا زمین به او سخت می‌گردد و طاقتش را به چالش می‌کشد فکرکردن به پرواز است که او را از دام زمین خلاص می‌کند. در سال ۱۲۹۲ در روزی مثل امروز؛ اولین هواپیما بر فراز ایران پرواز کرد؛ هر چند خلبانش لهستانی بود اما ایرانی‌ها هم به چشم دیدند که انسان می‌تواند مثل پرنده‌ها در آسمان پرواز کند. امروز دیگر خیلی از مردم پرواز با هواپیما را تجربه کرده‌اند. برخی هم با وسیله‌های دیگری مثل پاراگلایدر که نه موتور دارد و نه بدنه فلزی که به سرنشین‌اش این اعتماد را



افتخاری می‌گوید: از بچگی عاشق ورزش بودم و کنار پدر و مادرم ورزش می‌کردم؛ از شنا بگیر تا موتورسواری و قایق سواری. ۱۸ ساله بودم و برای دیدن نتایج کنکور روزنامه را ورق می‌زدم که آگهی آموزش پاراگلایدر در اصفهان را دیدم و همین باعث شد به سمت این ورزش بروم و به آن علاقه‌مند شوم و تا الان که ۳۱ سالم است آن را ادامه داده‌ام. راستش ماندن در این ورزش هم مثل همه کارهای دیگر اول علاقه لازم دارد و خب کمی جرات. البته این نترس بودن تا زمانی به کارت می‌آید که اصول اولیه پرواز را یاد بگیری و بدانی که باید پرنده‌ها را چگونه هدایت کنی. ما از فراز یک کوه پرواز می‌کنیم اول پروازهایمان کوتاه است شاید تا پایان شیب اما به مرور اگر در این رشته بمانی پروازهای طولانی‌تر را هم تجربه خواهی کرد. گاهی هفت، هشت ساعت. درست مثل عقاب. من سال‌هاست در کنار پرواز، مربی هم هستم و با قاصطیم می‌گویم که پرواز برای زن و مرد فرق نمی‌کند.

زنان همان قدر می‌توانند در این رشته موفق شوند که مردان. زنان به دلیل دقت و نظمی که دارند حتی موفق‌تر هم هستند. استقبال هم خوب است. ما در اصفهان یک گروه آقایان پاراگلایدر داریم که شش نفرند و یک گروه خانم‌ها که پنج نفرند. یعنی تقریباً برابر. اما راستش را بخواید بیشتر زنان ما اعتماد به نفس زیادی ندارند شاید به این دلیل که بیشترشان وابسته به مردان هستند؛ هم از نظر روانی هم مالی. زنان زیادی را دیده‌ام که برای پرواز می‌آیند و موفق هم می‌شوند اما ازدواج که می‌کنند، پرواز را رها می‌کنند چون همسرشان اجازه نمی‌دهد. به نظر خانواده‌های ما باید بیشتر روی اعتماد به نفس دختران کار کنند. این که دختری فکر کند اوج توانایی و درخشش این است که زیبا باشد یا شیک پوش یا با مردی ازدواج کند که همه نیازهای او را برطرف کند و ثروتمند باشد یعنی یاد گرفته که برای زندگی به دیگری وابسته باشد و خودش کار چندانی برای زندگی‌اش انجام ندهد. به نظر برای پرواز باید خودت را بشناسی؛ باشق طبیعت باشی و او همه مهم‌تر اعتماد به نفس و عزت نفس بالایی داشته باشی.

تولد دوقلوهای آزمایشگاهی

پژوهشگران سنگاپوری اعلام کردند برای نخستین بار در جهان نوزادان دو قلوبی که در نتیجه لقاح تخمک و اسپرم یخ‌زده به وجود آمده‌بودند، متولد شدند. دکتر مای، سرپرست این گروه تحقیقاتی می‌گوید: انجام این کار بسیار دشوار بود و ما برای توسعه این طرح به تحقیق بیشتری نیاز داریم. تاکنون ۳۰تولد زنده با استفاده از تخمک یخ‌زده و اسپرم یخ زده و تعداد بیشتری تولد با به‌کارگیری اسپرم یخ‌زده و تخمک یخ‌زده گزارش شده‌است؛ اما تولد دوقلو با اسپرم و تخمک یخ‌زده گزارش نشده‌بود. (صفحه ۱۲)

خدمات درمانی به روستاییان کافی نیست

مدیرعامل سازمان بیمه خدمات‌درمانی گفت؛ لازمه ارائه خدمات بیمه‌ای به تمامی مردم کشور این است افرادی که تحت پوشش هیچ بیمه‌ای نیستند، شناسایی شده و تحت پوشش بیمه قرار گیرند. دکتر واعظ مهدوی افزود: بیمه خدمات‌درمانی باید تقویت شود و به سطحی برسد که علاوه بر بیمه‌مگانی که خدمات پایه‌ای درمانی را ارائه می‌کند بیمه‌های تکمیلی را نیز تحت پوشش بیمه‌درمانی قرار دهد. اکنون روستاییان فقط بیمه خدمات بستری آموزشی و دولتی را دریافت می‌کنند، در صورتی که باید مانند شهرنشینان از بیمه خدمات‌درمانی سرپایی و درمان بستری نیز استفاده کنند؛ اما برای ارائه این خدمات به حدود ۶۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان اعتبار نیاز است.

تلنگر به من نفس برسان

❗اگر ساکن کلانشهر تهران باشید و عادت به مسافرت‌های نوروزی هم نداشته باشید، حتما می‌دانید یکی از بهترین شهرها در تعطیلات نوروز، تهران است. شهری آرام و خلوت و پاک با آسمانی آبی‌که هیچ شباهتی به آسمان تهران در بقیه روزهای سال ندارد. تعطیلات نوروزی، بهشت تهران‌گردها و دوستان‌دار این شهر است. می‌توانند در پیاده‌روهای خیابان ولی‌عصر(ع‌ج) قدم بزنند و نفس عمیق بکشند و ریه‌هایشان را پر کنند از هوای شهری که دوستش دارند. یابین که در دامنه ارتفاعات توچال بایستند و تانتهای ارتفاعات‌ری را به‌وضوح ببینند. داشتن یک آسمان آبی شاید برای مردم خیلی از شهرهای دنیا امری بدیهی باشد، اما برای کسانی‌که در کلانشهر تهران زندگی می‌کنند، آرزویی است که تنها سالی چند روز به تحقق می‌رسد.

یاد ایام خوش‌نوروز و هوای پاک تهران کردم که بگویم همه می‌دانیم دلیل هوای پاک و عاری از آلودگی تهران در تعطیلات نوروزی، کم بودن خودروهای شخصی در سطح شهر است نه تعطیلی کارخانه‌ها. هر روز در جریان گشت زدن در فضای مجازی یا از پایدی صحبت‌های قلان مقام مسؤؤل متوجه می‌شویم که علت هوای آلوده تهران، وارونگی هوا یا عدم بارش باران یا سوخت‌های کارخانه‌هاست.

مدام با اینفوغرافی‌های «چه چیزهایی بیشتر هوا را آلوده می‌کنند» روبه‌رو می‌شویم و می‌خوانیم که سهم خودروهای شخصی بسیار کمتر از کارخانه‌های شهر است.

اما وقتی روز سوم فروردین در مرکزی‌ترین خیابان شهر قدم می‌زنیم و آسمان آبی را نگاه می‌کنیم با یک نگاه به خیابان خلوت می‌توانیم نتیجه بگیریم پس باعث آلودگی هوای تهران همان خودروهای شخصی سطح شهر بوده‌اند.

حالا هم که صحبت بر سر سوخت مازوت در رسانه‌ها داغ است و بیشتر کارشناسان، مشکل آلودگی شدید هوای تهران را به گردن آن می‌اندازند، هیچ‌کس زیر بار تعطیلی شهر و کم کردن تعداد خودروهای داخل خیابان نمی‌رود.

اما رهگذران ساده سوم فرودین خیابان‌های تهران که شاید تحقیق درست و درمانی هم درباره سوخت مازوت نکرده باشند به چشم دیده‌اند که تعطیلی شهر و کم شدن خودروهای سطح خیابان‌ها، آسمان آبی را به شهر برمی‌گرداند. ❗

تشکل‌های دانشجویی دیروز با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند

ایشان در این دیدار فرمودند: تمامی تشکل‌های دانشجویی باید با شناخت جایگاه تعیین‌کننده خود در سرنوشت کشور، غبار خودباختگی در برابر بیگانگان را بزدایند و گرایش و عمل به دین صحیح را هدف اصلی خود قرار دهند تا آینده پرافتخار و پیشرفته کشور و ملت و نظام تامین شود. رهبر معظم انقلاب با تاکید بر ضرورت حفظ و تعمیق آرامش در کشور، تمامی تشکل‌های دانشجویی را به تحمل بیشتر یکدیگر و پرهیز از چالش توصیه کردند و افزودند: فعالان هوشیار با درایت و علاقه‌مند حرکت دانشجویی می‌توانند با تکیه بر اصول غالباً مشترک و ضمن حفظ سلاطیق متفاوت، تشکل‌های دانشجویی را مبنای وحدتی پایدار و حرکت عمومی در محیط دانشگاهی کشور برای تحقق اهداف ملی قرار دهند. (صفحه یک)



بورس دولتی است

سلامتی، کارشناس اقتصاد و رئیس انجمن حسابداران خبره گفت: بازار سرمایه ایران شدیداً نیازمند خصوصی‌سازی است و بدون این امر وضعیت اقتصادی کشور چشم‌انداز روشنی نخواهدداشت. وی افزود: ۸۰درصد بورس کشور در اختیار دولت است و تا زمانی که مساله خصوصی‌سازی جدی نشود، روند نزولی اقتصاد کشور ادامه خواهدداشت. بخشی از مشکلات بورس به حسابداری و تعیین نشدن قیمت‌ها براساس عرضه و تقاضا برمی گردد و ضعف سیستم اطلاع‌رسانی بورس و بی‌توجهی مسؤؤلان به بورس و بازار سرمایه و نداشتن ضمانت اجرایی از دیگر مشکلات بورس است. (صفحه ۴)

افزایش بدهی دولت به بانک‌ها

دکترحسین نمازی، وزیر اقتصاد و دارایی در همایش اقتصاد و عدالت اجتماعی گفت: در کشور ما کاهش واردات تابع نرخ ارز نیست بلکه تابع درآمدهای نفتی است و در چنین شرایطی افزایش نرخ ارز نه تنها درآمد دولت را افزایش نمی‌دهد بلکه هزینه‌های دولت را به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده ارز افزایش می‌دهد. جمع بدهی دولت و شرکت‌های دولتی به شبکه بانکی از سال ۶۸ تا ۷۸ هشت برابر شده که نشان‌دهنده کاهش ارزش پول ملی است که نه تنها نتوانسته کسر بودجه را کاهش دهد بلکه آن را تشدید نیز کرده‌است. (صفحه ۴)